

آیا تا قبل از سال 71، تقویم ها در باره حضرت زهرا (سلام الله علیها) از کلمه « وفات » استفاده می کرده اند؟

طرح شبهه:

احتمالاً در سال 71 بود که عده ای از کارشناسان و محققان جمهوری اسلامی مستقر در مجلس شورای اسلامی که جزو نمایندگان هم بودند پس از 1400 سال تحقیق و بررسی ناگهان به راز مهمی پی بردند و آن اینکه حضرت فاطمه دختر رسول خدا (ص) فوت ننموده بلکه شهید شده است اینجا بود که آن نمایندگان مجلس (که خداوند از آنان نگذرد) اعلام کردند از این پس در تقویمها بجای وفات بنویسند شهادت. و این روز را تعطیل اعلام نمودند و به این صورت بزرگترین ضربت را بر وحدت اسلامی وارد نموده و شکافی عمیق ایجاد نمودند.

آقایان شیعه به ما بگویید چرا تا پیش از این در تقویم ایران می نوشتند رحلت؟!

نقد و بررسی:

این پرسش دیگر واقعا شیعه را ضربه فنی کرده است!!! حال اگر يك يا دو تقویم نوشته اند وفات، آن هم با وجود اینهمه دلیل از اهل سنت و شیعه بر شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها، آیا استناد به چنین دلیل های ارزش شنیدن دارد؟ در پاسخ به این شبهه، توجه به دو نکته ضرور است:

اولاً: وفات کلمه ای است عام که هم شامل مرگ طبیعی و هم شامل شهادت می شود؛ زیرا در بسیاری از موارد حتی در کتاب های معتبر، نسبت به شهادت امام حسین، امیر مؤمنان، جعفر طیار علیهم السلام و همچنین در باره خلیفه دوم و سوم نیز کلمه وفات به کار رفته است.

وفات امام حسین علیه السلام در روایات

طبرسی در الإحتجاج می نویسد:

محمد بن الحنفیة بعد وفاة أخیه الحسین صلوات الله علیه

الطبرسی، **أبي منصور أحمد بن علي بن أبي طالب (متوفاي 548هـ)**، الإحتجاج، ج 2، ص 136، تحقیق: تعلیق وملاحظات:

السید محمد باقر الخراسان، ناشر: دار النعمان للطباعة والنشر - النجف الأشرف، 1386 - 1966 م.

و ابن شهر آشوب می نویسد: رسول خدا صلی الله علیه وآله در باره امام حسین علیه السلام فرمود:

أما ان أمتي ستقتله فمن زاره بعد وفاته كتب الله له حجة من حججی.

آگاه باشید که اتم حسین را می کشند، پس هر کس پس از وفاتش او را زیارت کند، خداوند ثواب يك حج از حجهای مرا برای وی می نویسد.

ابن شهر آشوب، شیر الدین **أبي عبد الله محمد بن علي المازندراني (متوفاي 588 هـ)**، مناقب آل أبي طالب، ج 3، ص 272،

ناشر: المكتبة والمطبعة الحيدرية - النجف، 1345 هـ.

وفات امیر المؤمنین علیه السلام در روایات شیعه و سنی:

همچنین در باره شهادت امیر المؤمنین علیه السلام نیز تعبیر به وفات وجود دارد:

وكان مع أخیه الحسن بعد وفاة أبيه عليهم السلام عشر سنين وبقي بعد وفاة أخیه الحسن علیه السلام إلي وقت مقتله عشر سنين.

امام حسین علیه السلام، پس از شهادت پدر بزرگوارش، ده سال با برادرش امام حسن علیه السلام و ده سال پس از ایشان زندگی کرد.

الأربلي، أبي الحسن علي بن عيسى بن أبي الفتح (متوفاي 693هـ)، كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج 2، ص 250، ناشر: دار الأضواء بيروت، الطبعة: الثانية، 1405هـ - 1985م؛

المجلسي، محمد باقر (متوفاي 1111هـ)، بحار الأنوار، ج 44، ص 200، تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م.

در روایات اهل سنت نیز در باره امیر مؤمنان علیه السلام از کلمه «وفات» استفاده شده است:

عن عمرو بن حبشي قال خطبنا الحسن بن علي بعد وفاة علي فقال لقد فارقكم رجل بالأمس لم يسبقه الأولون بعلم....

إبن أبي شيبة الكوفي، أبو بكر عبد الله بن محمد (متوفاي 235هـ)، الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، ج 6 ص 371 و ج 7، ص 476، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ناشر: مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، 1409هـ؛

الشييباني، أحمد بن حنبل أبو عبد الله (متوفاي 241هـ)، فضائل الصحابة، ج 2 ص 600، تحقيق د. وصي الله محمد عباس، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، 1403هـ - 1983م.

وخرج عبيد الله بن العباس بن عبد المطلب إلي الناس بعد وفاة علي ودفنه فقال: إن أمير المؤمنين رحمه الله تعالى قد توفي براً تقياً، عدلاً مرضياً...

البلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر (متوفاي 279هـ)، أنساب الأشراف، ج 1 ص 383.

وفات حمزه سيد الشهداء در روایات:

حضرت حمزه عموي رسول خدا، در میان شیعه و سنی به «سید الشهداء» مشهور است، در عین حال در باره او از کلمه «وفات» استفاده شده است:

منها بعد وفاة حمزة بن عبد المطلب ورسول الله...

العاصمي المكي، عبد الملك بن حسين بن عبد الملك الشافعي (متوفاي 111هـ)، سمط النجوم العوالي في أنباء الأوائل والتوالي، ج 1 ص 426، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود - علي محمد معوض، ناشر: دار الكتب العلمية.

وفات جعفر بن أبي طالب عليهما السلام در روایات:

شهادت جعفر بن ابوطالب عليهما السلام از دیدگاه شیعه و سنی قطعی است؛ اما در عین حال در باره وی نیز کلمه «وفات» به کار برده شده است:

عن عائشة قالت لَمَّا أَمَاتَ وَقَاةُ جَعْفَرٍ عَرَفْنَا فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْحُزْنَ...

إبن أبي شيبة الكوفي، أبو بكر عبد الله بن محمد (متوفاي 235هـ)، الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، ج 3، ص 62 و ج 7، ص 414، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ناشر: مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، 1409هـ.

وفات عمر بن الخطاب در روایات:

اهل سنت اتفاق دارند که خلیفه دوم توسط ابولؤلؤ به شهادت!!! رسیده است؛ اما می بینیم که خود آن ها در کتاب هایشان همواره از کلمه «وفات» در باره عمر استفاده کرده اند. آیا این دلیل می شود که بگوییم کشته شدن عمر به دست ابولؤلؤ دروغ است و عمر اصلاً کشته نشده است؟ اگر کسی کتاب های اهل سنت را بگردد، شاید بیش از هزاران مورد پیدا کند که ما به اختصار به چند مورد اشاره می کنیم:

بلاذري در انساب الأشراف مي نويسد:

وخطب فاطمة بنت عمر الخطاب رضي الله تعالى عنه، بعد وفاة عمر، وأصدقها مائة ألف....

البلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر (متوفى 279هـ)، أنساب الأشراف، ج 2، ص 257.

ويقال كان فتح الري قبل وفاة عمر بستين.

الطبري، أبي جعفر محمد بن جرير (متوفى 310)، تاريخ الطبري، ج 2، ص 536، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.

ولا حجة له في بقاء الصحابة بلا خليفة في مدة التشاور يوم السقيفة وأيام الشوري بعد وفاة عمر رضي الله عنه لأنهم لم يكونوا تاركين لنصب الخليفة.

النووي، أبو زكريا يحيى بن شرف بن مري، شرح النووي علي صحيح مسلم، ج 12، ص 205، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة الثانية، 1392 هـ.

وروي حماد بن النضر عن محمد بن المنكدر عن عطاء عنها نحوه وقال حدثني بعد وفاة عمر.

الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان، (متوفى 748هـ)، سير أعلام النبلاء، ج 5، ص 132، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، 1413 هـ.

والصحيح أنه ولد لستين مضتا من خلافة عمر فيكون له وقت وفاة عمر ثمان سنين

ابن القيم الجوزية، محمد بن أبي بكر أيوب الزرعي أبو عبد الله (متوفى 751هـ)، حاشية ابن القيم علي سنن أبي داود، ج 13، ص 244، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الثانية، 1415 هـ - 1995 م.

لأنه ولد يوم موت رسول الله صلي الله عليه وسلم وطم يوم وفاة أبي بكر وبلغ يوم وفاة عمر بن الخطاب وتزوج يوم مقتل عثمان بن عفان وولد له يوم مقتل علي بن أبي طالب

الصفدي، صلاح الدين خليل بن أيبك (متوفى 764هـ)، الوافي بالوفيات، ج 16، ص 287، تحقيق أحمد الأرنؤوط وتركي مصطفى، ناشر: دار إحياء التراث - بيروت - 1420 هـ - 2000 م.

صفدي در اين جا براي رسول خدا صلي الله عليه وآله، ابوبكر و عمر از كلمه «وفات» استفاده کرده است؛ ولي براي امير مؤمنان عليه السلام و عثمان از كلمه «مقتل»!!!. به احتمال زياد ايشان اعتقادي به كشته شدن عمر نداشته است!!!.

ثم دخلت سنة ثلاث وعشرين وفيها وفاة عمر بن الخطاب.

القرشي الدمشقي، إسماعيل بن عمر بن كثير أبو الفداء (متوفى 774هـ)، البداية والنهاية، ج 7، ص 130، ناشر: مكتبة المعارف - بيروت.

حتي هيشمي در كتابش بابي را با عنوان «باب وفاة عمر رضي الله عنه» قرار داده است.

الهيشمي، علي بن أبي بكر (متوفى 807هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج 9، ص 74، ناشر: دار الريان للتراث/ دار الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - 1407 هـ.

وفات عثمان در روايات اهل سنت:

عثمان بن عفان، در زمان خلافتش توسط صحابه رسول خدا كشته شد، اهل سنت او را شهيد مي دانند؛ اما در عين حال در باره او از كلمه «وفات» استفاده کرده اند:

ذكر وفاة عثمان بن عفان رضي الله عنه (47 ق هـ - 35 هـ).

... أخبرنا إسماعيل بن أحمد قال أخبرنا محمد بن هبة الله الطبري قال أخبرنا أبو الحسين بن بشران قال أخبرنا أبو علي بن صفوان قال حدثنا أبو بكر القرشي قال حدثني الحارث بن محمد التميمي قال حدثني أبو الحسن علي بن محمد القرشي عن

سعيد بن مسلم بن بانك عن أبيه أن عثمان بن عفان قال متمثلا يوم دخل عليه فقتل

أري الموت لا يبقي عزيزا ولم يدع لعاد ملاذا في البلاد

ابن الجوزي، أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد (متوفى 597 هـ)، الثبات عند الممات، ج ١ ص ١٠١، تحقيق: عبد الله الليثي الأنصاري، ناشر: مؤسسة الكتب الثقافية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٦ هـ.

سخاوي از بزرگان اهل سنت در مطلبي در باره امير مؤمنان عليه السلام، عمر بن خطاب و عثمان از كلمه وفات استفاده مي كند: ... وبالكاف والجيم أيضا: إلي أن وفاة عمر بن الخطاب كانت في سنة ثلاث وعشرين، وذلك في آخر يوم في ذي الحجة شهيدا.

وبالهاء واللام: إلي أن وفاة عثمان بن عفان كانت في سنة خمس وثلاثين وذلك في ذي الحجة أيضا شهيدا.

وباللام والتحتانية: إلي أن وفاة علي بن أبي طالب كانت في سنة أربعين، وذلك في رمضان شهيدا.

وفات عمر در سال ٢٣ هـ بود که در آخر ذي الحجة، شهيد شد.

وفات عثمان در سال ٣٥ هـ بود که در ذي الحجة همان سال شهيد شد.

وفات علي بن ابوطالب در سال ٤٠ هـ بود که در رمضان همان سال به شهادت رسيد.

السخاوي، الإمام الحافظ شمس الدين محمد بن عبد الرحمن (متوفى 902 هـ)، الغاية في شرح الهداية في علم الرواية، ج ١،

ص ٣١٥، تحقيق: أبو عائش عبد المنعم إبراهيم، الطبعة: الأولى، ناشر: مكتبة أولاد الشيخ للتراث - ٢٠٠١ م.

ثانياً: اين که در تقويم هاي پيش از سال 1372، به جاي شهادت، وفات آمده باشد، دروغي است آشکار. بلي، پيش از انقلاب اين گونه بوده است.

بر فرض که چنين باشد، آیا تقويم مي تواند ملاک درستي يا نادرستي وقايع و اعتقادات باشد؟

جاي بسي تأسف است که برخي براي اثبات يا رد مطلبي اعتقادي، به چنين ادله سستي استناد مي کنند.

از قديم گفته اند که: «الغريق يتشبث بكل حشيش؛ کسی که در حال غرق شدن است به هر خس و خاشاكي چنگ مي اندازد».

با وجود روايات صحيح السند در كتاب هاي اهل سنت مبني بر هجوم ابوبكر و عمر به خانه صديقه شهيده سلام الله عليها،

استناد به چنين دلایلي چه ارزشي دارد؟

نتیجه:

اين که تقويم ها به جاي شهادت «وفات» نوشته باشند، دليل بر عدم شهادت حضرت زهرا سلام الله عليها نمي شود؛ چرا که

كلمه «وفات» هم شامل مرگ طبيعي و هم شهادت مي شود و حتي در باره امام حسين، امير مؤمنان، حمزه سيد الشهداء، جعفر

بن ابوطالب عليهم السلام، عمر بن خطاب و عثمان بن عفان نیز اين واژه به کار برده شده است.

موفق باشيد

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)